

## در سیطره خوش خیالی های دولتمردان

اخیراً دو رخداد ما را در آستانه توجهات ویژه‌ای به وقایع پیرامون خود قرار داده است. وقایعی که اگر نتوانیم خودمان را در مقابل آنها متمرکز کنیم و تصمیمات درست اتخاذ نماییم، موقعیت‌های اقتصادی، دغدغه‌های سیاسی و تجدید حیات فرهنگی ما را متأثر خواهند کرد.

نمایش همه‌پرسی استقلال کردستان عراق و سیرای ناپذیری دولتمردان امریکا از دشمنی و کینه‌ورزی نسبت به ملت ایران و انقلاب اسلامی و تشدید تحریم‌ها به بهانه‌های واهی و راه‌اندازی کم‌دی کلاسیک «بودن یا نبودن برجام»، در میان رخدادهای این فصل، بیش از همه جلب توجه می‌کند. در این یادداشت اجماًلاً به اهمیت این دو رخداد پرداخته می‌شود.

### نمایش «بودن یا نبودن برجام» مسئله این است!!

اولین مطلبی که در این فصل فضای سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داده، نمایشی است که امریکایی‌ها در خصوص بودن یا نبودن برجام به راه انداختند تا از این طریق اصل تهاجمات مربوط به مسائل دفاعی ما را که به صورت خزنده به سمت چیزی شبیه





مذاکرات برجام سوق داده می‌شود، تحت‌الشعاع قرار دهند. حساسیت به این مسئله و دنبال بازی‌های انحرافی نرفتن «بودن یا نبودن برجام» از این جهت اهمیت دارد که ملت ما را یاد خاطره غیر قابل مذاکره بودن توان هسته‌ای می‌اندازد. شعاری که با قاطعیت تمام بعضی از مذاکره‌کنندگان چه در دولت خاتمی و چه در دولت روحانی بر آن تأکید می‌کردند و دفاع از این دستاوردها را تنها راه توسعه کشور می‌دانستند؛ اما در نهایت قلب این مسیر پس از مذاکرات برجام با بتن مسدود شد و معلوم نیست چه حاصلی به همراه داشته باشد و کدام دست مبارکی بتواند آن را به مسیر انقلابی بازگرداند. تا چندی پیش خوش‌خیال‌های زمانه ما که به مذاکره با کدخدای جهانی خیلی خوش‌بین بودند ناراحت می‌شدند وقتی می‌شنیدند که دوران خوشی پس از انعقاد برجام در راه نیست و اعتماد به امریکا مسیر درست و انقلابی ادامه آرمان‌های انقلاب اسلامی نیست. آنان اطمینان قطعی داشتند که امریکا و تمامی شرکای اروپایی و آسیای آن با برجام، کلیه روش‌های ناجوانمردانه و غیر انسانی برای کنترل رشد و پیشرفت ایران و نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه و جهان را به کناری خواهند نهاد و گوشه‌ای خواهند نشست و به میمنت و مبارکی این تدبیر که تنها از دولتمردان ما بر می‌آید، از مزایای برجام بهره خواهند برد! دیوانسالاری ایران حتی گوش شنوایی برای شنیدن احتمالات نشانه‌های عدم پایبندی دولت بعدی امریکا به برجام را که او با ما در سخنان خود چندین بار تکرار کرد، نداشتند. با این تفصیل نشر متونی در ستایش برجام که آرام آرام دارد به صورت صنعت رو به توسعه‌ای درمی‌آید هم نتوانسته است جایی برای این معاهده در تئوری‌های توسعه دولتمردان و کارگزاران دانشگاهی آنها باز کند. اگر چه در طول این چند سال رئیس محترم دولت و کارگزارانش هر از چندگاهی آفتابی شده تا فرارسیدن دوران خوش پس‌برجام را بشارت دهند. اما نشانه‌های بی‌اعتقادی به پیش‌گویی‌های قبلیشان اکنون در حکم اوهامی تلقی می‌شود که تا حدودی در سخنان اخیر رئیس‌جمهور محترم و وزیر امور خارجه و سایر دولتمردانش هویدا است.

شنیده‌ایم که بعضی از تصمیمات استراتژیک در خصوص دفاع نکردن از برجام و حذف این شاه‌کلید دولت تدبیر از مجموعه دسته‌کلیدهای گره‌گشا و معجزه‌آسای دیوانسالاری دولت یازدهم و دوازدهم در راه است!!

ما کاری نداریم که بعد از حذف این شاه‌کلید، دولت تدبیر چگونه می‌خواهد مشکل آب خوردن مردم را که حل آن در گرو معاهده برجام و برداشتن تحریم‌ها بود، برطرف کند و راه توسعه ایران را هموار سازد اما می‌دانیم که نوستالژی در حسرت تجدد و ترقی

ماندن جریان منور الفکری دیوانسالاری در ایران به مراتب غم‌انگیزتر و تأسفبارتر از این نمایش‌هایی است که پیوسته در دو‌یست سال اخیر تکرار شده است و روشنفکران ما نه تنها هنوز از آن عبرت نگرفته‌اند بلکه با لجاجت تمام این خوش‌خیالی‌ها را دنبال می‌کنند و تاوان ناتوانی‌ها و ناکامی‌های خود را در نهایت از ملت ایران می‌گیرند.

اگرچه برای این نوستالژی می‌توان دلایل فکری، عقیدتی و تاریخی زیادی ارایه داد ولی به نظر می‌رسد در سرلوحه تمامی این دلایل، نابالغی دیوانسالاری در ایران که تابعی از نابالغی و عدم رشد منور الفکری است قرار دارد. مثلاً همین توافقنامه برجام و مکانیسم آن را می‌توان محملی برای فهم این نابالغی قرار داد. یکی از مهم‌ترین دلایل خوش‌خیالی‌های برجامی آن بود، که دولت با تمام وجود می‌پنداشت اقتصاد نوین جهانی که از نظر آنها تنها راه‌گذار به سوی توسعه است صرفاً توسعه تجارت روزافزون بین دولت‌هاست. از سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتمردان می‌توان به راحتی فهمید که درک عمیق و دقیقی از این مسئله وجود ندارد که اقتصاد جهانی سال‌هاست که از تجارت بین کشورها به سوی اقتصاد واحد یعنی یک اقتصاد و یک بازار رفته است و جهان با تقسیم وظایف اقتصادی و حتی وظایف سیاسی میان کشورها تلاش می‌کند که تمام شبکه‌های اقتصادی و سیاسی را به هم پیوسته نگه دارد. در این شبکه ملاحظات اقتصادی اگر چه غلبه دارد ولی با ملاحظات سیاسی در هم تنیده است. بزرگ‌ترین مشکل توافقنامه برجام این است که در دایره ملاحظات سیاسی سازماندهی شده و امریکایی‌ها و اروپایی‌ها با زیرکی تمام ملاحظات اقتصادی را تابعی از ملاحظات سیاسی کردند؛ و از آنجایی که ملاحظات سیاسی پیوسته در معرض دگرگونی است خنثی شدن برجام امری عادی تلقی می‌شود. همین مسئله برای یک تاجر حرفه‌ای مثل ترامپ، که درک دقیقی از ملاحظات اقتصادی دارد بهانه خوبی است تا این توافقنامه را به بازی‌های سیاسی بگیرد. از دیگر دلایل خوش‌خیالی‌های برجامی، نیت آشکار مذاکره‌کنندگان ایرانی در تمرکز بر مسئله فروش نفت و بازگرداندن وجوه آن برای حل مشکل درآمدهای دولت است. مسئله‌ای که به راحتی می‌تواند با ملاحظات سیاسی در ایجاد اختلال در این مکانیسم، بدون نقض برجام همه نقشه‌های دولتمردان ایران را نقش بر آب کند؛ زیرا هر کسی اگر کمی آگاهی از فرآیند مصرف انرژی نفت از بعد از انقلاب اسلامی در جهان داشته باشد متوجه می‌شود که این مصرف روز به روز کاهش یافته و بخشی از نیازها از طریق جایگزینی منابع انرژی جدید و بخشی دیگر از طریق تولیدکنندگان جدید حل شده است. بنابراین بودن یا نبودن ایران در بازار نفت دیگر اهمیت تاکتیکی هم ندارد چه برسد



به این که دستاویز مذاکرات استراتژیک قرار گیرد.

در سال ۱۹۷۹ یعنی سال پیروزی انقلاب اسلامی، ذخیره نفتی جهان بر اساس آمارهای موجود بالغ بر ۶۱۱ میلیارد بشکه نفت بود و همه در بوق و کرنا کرده بودند که این ذخایر شدیداً رو به کاهش است. کمتر از سه دهه بعد این ذخایر به بیش از ۱۳۳۳ میلیارد بشکه رسید و مرتباً رو به افزایش است. با ورود تولیدکنندگان جدید مثل هندوستان، مصر، برزیل، کلمبیا، سوریه، عمان، چین، آلاسکا، یمن و... از سال ۱۳۷۹ هم قیمت نفت اوپک و هم تولید روزانه آن دچار نوسان‌های غیر قابل محاسبه شده و عملاً نقش خود را در اثرگذاری‌های اقتصادی و ملاحظات سیاسی از دست داده است. اما دولت‌مردان ما هنوز تمامی استراتژی‌های خود را حتی در توافقنامه برجام بر فروش نفت و درآمدهای آن متمرکز کرده‌اند. وقتی رئیس دولت در چشم دوربین برای میلیون‌ها ایرانی شعار می‌دهد که باید برجام منعقد شود و تحریم‌ها برداشته شود تا بتوان نفت فروخت و با پول آن مشکل مردم را حل کرد یا می‌گوید:

اینکه می‌گوییم تحریم ظالمانه باید از بین برود بعضی‌ها چشم‌هایشان را زیاد نچرخانند! تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید؛ تا مسئله محیط زیست حل شود؛ تا اشتغال جوانان حل شود؛ تا صنعت جامعه حل شود؛ تا آب خوردن مردم حل شود؛ تا منابع آبی زیاد شود؛ تا بانک‌های ما احیا شود...

اینها نشان می‌دهد که دیوانسالاری ایران هنوز از عصر قاجاری و پهلوی عبور نکرده است. سال‌ها مرکز تجاری جهان در حوزه مدیترانه بود و پس از آن به اقیانوس اطلس منتقل شد و شهرهای نیویورک و پاریس و لندن قبله‌آمال و آرزوهای ترقی‌خواهی‌های منورالفکران جهان و ایران گردید. امروزه کسی تردید ندارد که این مرکز از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام منتقل شده است و به جای نیویورک، پاریس و لندن شهرهای لس‌آنجلس، سیدنی و توکیو در مرکز تعاملات جهانی قرار دارند. با این همه، هنوز دولتمردان ایران و منورالفکران وطنی که همیشه در پیشرفت، توسعه و ترقی مرغ همسایه را غاز می‌بینند، محاسبات اقتصادی، سیاسی و نسخه‌های تجدد و ترقی را در حوزه مدیترانه و اقیانوس اطلس جست‌وجو می‌کنند و چشم به نسخه‌های حلقه‌ها ماساچوستی‌ها در سازمان برنامه! حلقه نیویورکی‌ها در وزارت امور خارجه! و حلقه‌های فرنگی‌مآبان لندن و پاریس متمرکز در مراکز دانشگاهی عقب‌افتاده در حوزه علوم انسانی در ایران جست‌وجو می‌کنند و این یکی از دلایل اساسی عقب‌ماندگی دیوانسالاری در

ایران است که با تمام معایبش در دولت تدبیر و امید جا خوش کرده است. چه زمانی ملت ایران از شر این حلقه‌ها خلاص خواهد شد و ترنم خوش استقلال و آزادی به مشامشان خواهد رسید؟ خدا می‌داند!!

### افسانه اقلیت‌های قومی و تمایلات تجزیه‌طلبی

رخداد دوم مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان عراق است. سال‌هاست که افسانه اقلیت‌های قومی محمل سیاست‌های استعماری در منطقه است و ایران در دوران معاصر بیش از کشورهای چو عراق، ترکیه و سوریه از این سیاست متأثر و متضرر شده است. فرضیه این یادداشت بر آن استوار است که نمایش اخیر همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق هم بیش از هر چیز تأثیرات خود را بر ایران متمرکز کرده تا از این طریق با درگیر کردن ایران در درون مرزهای خود با مسئله اقوام، نقش حیاتی ما را در مناقشات «صهیونیستی-داعشی» عراق و سوریه تحت تأثیر قرار دهند و فضای تنگ‌شده فعلی را برای نفس کشیدن گروه‌های مزدور تروریستی در این مناطق بازتر نمایند؛

زیرا همه می‌دانند که اگر افسانه اقلیت‌های قومی در کشورهایی که نگاه آنها به حوزه فرهنگی نگاه قومی و قبیله‌ای است، منشأ صورت‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی است، به طریق اولی این مسئله در ایران معاصر هیچ‌گاه محلی از اعراب نداشته است. «ایران» در جغرافیای سیاسی و فرهنگی خود جز با اقوامی که در این فلات زندگی می‌کنند و همه از حقوق مساوی برخوردارند، معنا ندارد و در دوران معاصر بحث غلبه قومی بر قوم دیگر، پنداشته‌های غیر تاریخی است که جز از حلقوم استعمار و گروه‌های وابسته تجزیه‌طلب شنیده نشده است.

بنابر این اگر چه تجزیه‌طلبی در ظاهر به عنوان پدیده‌ای دیرپا در جهان، یا به عنوان تجلی ایدئولوژیک یا به عنوان نوعی علاقه عاطفی به آزادی و رفاه اقلیتی-قومی تعریف شده است اما امروزه کسی تردیدی ندارد که پدیده تجزیه‌طلبی در پوشش واژه‌های فریبنده‌ای چون خودمختاری، حق تعیین سرنوشت و... ابزاری است در دست نیروهای استعماری و استکباری برای برهم زدن انسجام ملی کشورها و باج‌خواهی از کشورهای که به نوعی با سیطره استعمار در کشور خود به مبارزه برخاسته و دست قدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کرده‌اند.

۱. این مطلب در پیش‌گفتاری بر کتاب *انقلاب اسلامی ایران و گروه‌های تجزیه‌طلب آمده است*. رک: اصغر حیدری، *انقلاب اسلامی ایران و گروه‌های تجزیه‌طلب*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.



حداقل، آنچه نمایش همه‌پرسی استقلال کردستان عراق را بیشتر مشکوک می‌سازد یکی این پرسش است که چه شده این روزها در حالی که نیروهای مردمی عراق در حال پاکسازی آخرین سنگرهای داعش در خاک عراق هستند و هنوز آثار این زخم ناجوانمردانه بر پیکر این کشور در حال خونریزی است، ناگهان حاکم اربیل که سابقه سرسپردگی وی و خانواده‌اش به رژیم اشغالگر قدس نیاز به بینه ندارد و تا سال گذشته حتی عرضه نگهداری اربیل را نداشت و از ترس سقوط اربیل دست به دامن قطر، ترکیه، عربستان و در نهایت ایران شده بود و اگر نبود فداکاری مردان شیردل ایران در جلوگیری از سقوط اربیل به دست داعش، امروز او را باید در سوراخ‌های موش پیدا می‌کردیم؛ ناگهان خر افسارگسیخته تجزیه‌طلبی را زین کرده و بر طبل جدایی‌طلبی می‌کوبد؟! او می‌دانست هیچ پشتیبان‌های در درون عراق و کشورهای همسایه برای این توهمات ندارد و اقدام او اگر بر وحدت ملی عراق در این شرایط حساس لطمه‌ای وارد نسازد حداقل بخشی از توان انسانی و تجهیزات نظامی دولت در مقابل داعش را برای مقابله با تجزیه‌طلبی به منطقه کردستان گسیل خواهد داشت.

دومین مسئله‌ای که این اقدام را مشکوک نشان می‌دهد آن است که اغلب جریان‌های معارض جمهوری اسلامی هم‌صدا با محافل صهیونیستی شناخته‌شده مثل مؤسسه رند و غیره، به دنبال این هستند که بگویند رژیم اشغالگر قدس هیچ رابطه‌ای با این تجزیه‌طلبی ندارد و اگر هم کردستان عراق از دولت مرکزی تجزیه شود نه تنها در ایران تأثیر منفی ندارد بلکه اثرات مثبت دیگری هم دارد.

به عنوان نمونه، عثمان معروفی یکی از همین قماش‌ها، در یادداشتی در سایت ضد انقلابی/ایران/امروز می‌نویسد: «اسرائیل هیچ ارتباط سرزمینی و علایق خاص مشترک تاریخی با مردم کرد ندارد.»<sup>۱</sup> او با این مقدمه نتیجه می‌گیرد که اسرائیل نقشی در این نمایش‌ها ندارد و اعلام حمایت وی فقط کسب پرستیژ بود.

شبیبه این داستان‌ها در نوشته بعضی از اصلاح‌طلبان ایرانی مثل تاج‌زاده و سعید حجاریان نیز به گونه‌ای دیگر در پس‌واژه‌هایی چون حقوق شهروندی، گروه خویشاوندی، الحاق‌گری و... وجود دارد. جهل تاریخی یا هر دلیل دیگری در پس این اظهارات پنهان نیست و گرنه اگر کسی کمی تاریخ خوانده باشد می‌داند که خاستگاه اصلی سرزمینی فرزندان یهوه بیش از آن که سرزمین فلسطین باشد سرزمین عراق و به طریق اولی منطقه موصل در کردستان است. (به این مسئله در ادامه خواهیم پرداخت).



همچنین اگر کسی تاریخ خوانده باشد و در کی از سیاست داشته باشد می‌داند که اخیراً سیاست‌سازان در غرب، برای تقلیل قبح واژه تجزیه‌طلبی، تمایل به دفاع از گروه خویشاوند در برابر تبعیض و یکسان‌سازی قومیتی را جایگزین تعاریف تجزیه‌طلبی نموده و از اصطلاح «الحاق‌گری» به جای این واژه منفور استفاده می‌کنند تا زشتی این عمل در تجزیه‌تمامیت ارضی کشورها نمایان نباشد. به همین اعتبار در تعاریف اخیر مفاهیم سیاسی تجزیه‌طلبی را به تجزیه‌طلبی افراطی و الحاق‌گری معتدل! تقسیم کرده و جلوه معتدل تجزیه‌طلبی را الحاق‌گری برای دفاع از گروه خویشاوند، حق تعیین سرنوشت در برابر تبعیض و برخورداری برابر از حقوق شهروندی تعریف می‌کنند و جلوه‌های افراطی الحاق‌گری را عبارت از به دست آوردن سرزمینی که گروه خویشاوند در آن زندگی می‌کنند می‌دانند. این خط‌معنایی که اخیراً شدیداً در میان گروه‌های تجزیه‌طلب دنبال می‌شود و بعضی از گروه‌های اصلاح‌طلب ایرانی نیز آن را القامی‌کنند و بی‌تردید سر نخ آن در غرب خوابیده است به دنبال آن است تا مفهوم تجزیه‌طلبی را که معنایی منفور در اذهان عمومی جامعه دارد به معنایی مثبت تبدیل نموده و از این طریق حساسیت‌های ملی نسبت به اقدامات تجزیه‌طلبی را کاهش دهد و این عمل غیرقانونی و تخریب‌کننده را در پشت مفاهیمی چون حقوق شهروندی، رفع تبعیض، بهره‌مندی کامل از حقوق خویش و غیره پنهان سازد.

اگر چه تجزیه‌طلبی در کشورها پدیده تازه‌ای نیست اما بررسی‌های تئوریک به ما می‌گوید که در دو قرن اخیر این پدیده ماهیتی مدرن پیدا کرده و عموماً به عنوان ابزاری در دست قدرت‌های سلطه‌گر برای فشار به کشورهای مستقل و آزاد مورد استفاده قرار گرفته است. در دو‌یست سال اخیر کشورهای استعمارگر با استفاده از داعیه‌های تجزیه‌طلبی به تخریب هویت ملی و اختلال در تمامیت ارضی، بهم زدن وحدت ملی و از همه مهم‌تر کوچک کردن کشورهایی که به نحوی یکپارچگی، وحدت ملی و قدرت جمعیتی و... این کشورها برای سلطه‌گران خطر داشته اقدام کرده‌اند و مرزهای این کشورها را به گونه‌ای تعیین نموده‌اند که پیوسته تمایلات هم‌گرایی قومی، قبیله‌ای و فرهنگی با همسایگان به عنوان معضلی بزرگ، بخشی از انرژی، وقت و امکانات این کشورها را به خود مشغول می‌کند.

ایران از زمان قاجاریه تا به امروز از روش‌های تخریبی این سیاست که توسط اروپایی‌ها

۱. رک: جیکوب لاندو، پان‌ترکیسم؛ یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری، ترجمه حمید احمدی، تهران، نی، ۱۳۸۶، ص ۱۹.



و امریکا بر ملت ما تحمیل شده در امان نبوده و هر از چندی در گوشه و کنار مرزهای ایران عزیز گروه‌های مزدور بلوایی به همین نام ایجاد می‌کنند. هنوز از حافظه تاریخی ملت ایران داستان تجزیه آذربایجان توسط دار و دسته پیشه‌وری که مزدور شوروی بودند و همچنین تجزیه کردستان ایران توسط قاضی محمد و ملا مصطفی بارزانی (پدر مسعود بارزانی) در دوران پهلوی و نمایش خودمختاری خلق‌های ایران توسط گروه‌های جاسوس امریکا، شوروی و اسرائیل در ابتدای انقلاب اسلامی از خاطره‌ها پاک نشده است.

بنابراین نباید تردیدی به خود راه داد که پدیده شوم تجزیه‌طلبی با هر عنوانی، در مفهوم متعارف امروزی، نتیجه روند افسارگسیخته دخالت استعمار از قرن ۱۷ میلادی تا به امروز در جهان است. جنگ‌ها و تجاوزطلبی‌های مدرن، بخش اعظمی از کشورها و ملت‌های کنونی با مرزهای به هم ریخته را پدید آورده است؛ ملت‌ها و کشورهایی که بعضی از آنها حتی در یک صد سال گذشته وجود خارجی نداشته ولی امروز با هویت جعلی به جنگ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای ریشه‌دار تاریخی آمده‌اند و هر روز به همین بهانه جنایت‌های جدیدی مرتکب می‌شوند. رژیم جعلی صهیونیستی و دولت بی‌ریشه و بی‌هویت اشغالگر قدس نمونه بارز این جنایات در دوران اخیر می‌باشد.

اگر چه ترکیب ساختار کشورهای جدید که استعمار عموماً در قالب تنش‌های مستدام تاریخی و تکه و پاره کردن قوم‌ها و نژادها در دل مرزهای فرهنگی و جغرافیایی کشورها ایجاد کرده، نوعی از مرزبندی‌های جعلی و عموماً استعماری است ولی امروزه این مسئله به عنوان یک اصل بین‌المللی پذیرفته شده و هر اقدامی در جهت ایجاد تنش در این مرزها بی‌تردید مصداق سیاست‌های شوم تجزیه‌طلبی به حساب می‌آید.

استعمار در سه دهه اخیر در سیاست‌های سلطه‌طلبی خود، تجزیه‌طلبی را فراتر از تجزیه‌طلبی تمامیت ارضی تعریف کرده و مفهوم تجزیه‌طلبی فرهنگی، عقیدتی و مذهبی را نیز به عنوان ابزار کارآمد دیگری در کنار تجزیه‌طلبی سرزمینی به میدان آورده و به تخریب کشورهای ناهمساز، آزاد و مستقل می‌پردازد. ایران در سه دهه گذشته در کنار مقابله با داعیه‌های تجزیه‌طلبی ارضی توسط گروه‌های مزدور، مقابله با تجزیه‌طلبی‌های فرهنگی، عقیدتی و مذهبی را نیز تجربه کرده است. از نمونه‌های عینی تجزیه‌طلبی‌های نوع دوم می‌توان به تجزیه اسلامیت و جمهوریت، تجزیه سیاست و شریعت، تجزیه دین و دنیا، تجزیه تخصص و تعهد، تجزیه دولت و ملت، تجزیه شیعه و سنی، تجزیه ایرانیت و اسلامیت، تجزیه سنت و تجدد، تجزیه حق و تکلیف، تجزیه اصول



و اصلاح و ده‌ها تجزیه‌ذهنی دیگر اشاره کرد. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز ملت ایران با تمام وجود خود مبارزه تجزیه‌طلبان ارضی، تجزیه‌طلبان فرهنگی، عقیدتی و مذهبی را با انقلاب کبیر اسلامی حس کرده است.

نمایش اخیری که در کردستان عراق برپا شد و دست پیدا و پنهان صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها را در آن به راحتی می‌توان مشاهده کرد از همین جنس است. شکست سنگین داعش در عراق و سوریه و اضمحلال سیاست دامن زدن به جنگ‌های مذهبی، دوباره استعمارگران را به مواضع سنتی تفرقه‌اندازی‌های قومی و دامن زدن به تمایلات تجزیه‌طلبی متمایل کرده است تا شاید این تحولات، محمل تازه‌ای برای گردآوری و تمرکز گروه‌های مزدور شکست‌خورده در عراق و سوریه باشد و از این طریق امنیت ایران و اتحاد ملی آن نیز مخدوش شود. بی‌تردید امریکا و صهیونیسم بین‌الملل با این باور به بازی خطرناک تجزیه‌طلبی جغرافیایی روی آوردند که تصور می‌کنند از این طریق ایران را مانند اوایل انقلاب اسلامی در درون مرزهای خود متمرکز خواهند کرد و نقش تعیین‌کننده ما را در عراق، سوریه و شکست سنگین داعش کم‌اثر خواهند ساخت.

ملت ایران با این بازی‌ها آشنایی کاملی دارد. ما هنوز فراموش نکرده‌ایم که یک زمانی اقتضا می‌کرد استعمار به کمک استبداد، ناسیونالیسم ملی را در مقابل ناسیونالیسم قومی قرار دهد و از این طریق پایه‌های امنیت ارضی کشورها را متزلزل نماید. یکی از وظایف خطرناک رضاخان این بود که به بهانه دفاع از ناسیونالیسم ملی، اقوام را که منشأ قدرت سیاسی و حافظ تمامیت ارضی ایران در آن دوران بودند، نابود کند و تخم از هم‌گسیختگی و تفرق اقوام ایرانی را در این سرزمین بپاشاند. اکنون پس‌مانده‌های فکری همان رژیم منفور تلاش می‌کنند که بذره‌های پاشیده‌شده توسط رضاخان را بارور ساخته و ناسیونالیسم قومی را در پشت مفهوم حق تعیین سرنوشت، در مقابل وحدت و یکپارچگی ملی قرار دهند. در حالی که این دو مفهوم هم در تئوری و هم در معنای حقوقی بر پایه یک مفهوم تاریخی قرار دارند. مفهومی که به ما می‌گوید مردم هر قوم یا نژادی در ایران عضو این پیوستگی ملی و شهروند آن می‌باشند.

ناسیونالیسم قومی ناسیونالیسمی انحصاری و انحرافی است و عضویت در آن محدود به افرادی است که ویژگی‌های قومی و ابتدایی دارند که این ویژگی‌ها متکی به تمایزهای طبقاتی و منزلت قبیله‌ای است. کشور ایران دارای یک جریان اصلی فرهنگی است که مردم این کشور به درجات متفاوت در آن مشارکت دارند. علاوه بر این فرهنگ اصلی و ملی، خرده‌فرهنگ‌هایی نیز وجود دارد که معمولاً در زیرمجموعه‌های فرهنگ ملی



و حتی گاه منطقه‌ای و جهانی قرار می‌گیرند. این خرده‌فرهنگ‌ها بر اساس باورهای مذهبی، نژادی، قومی، منطقه‌ای یا حتی هر نوع دسته‌بندی دیگری که مردم نسبت به آن احساس همبستگی مشترک دارند ممکن است به وجود آید. ایران همواره در طول تاریخ در برگیرنده مجموعه کاملی از این خرده‌فرهنگ‌ها بوده است. اما جریان اصلی فرهنگی که عبارت است از فرهنگ ایرانی-اسلامی به گونه‌ای است که اکثریت مطلق ایرانی‌ها با هر خرده‌فرهنگی آن را به عنوان هویت ملی پذیرفته‌اند.

فرهنگ ایرانی-اسلامی همراه با نهادها و اجزای سیاسی و اجتماعی‌اش میراث تاریخی ایران است. این میراث دربرگیرنده زبان غنی و شیرین فارسی همراه با ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی است. این فرهنگ اصیل قرن‌هاست که در ایران ادامه دارد و به خرده‌فرهنگ‌های درون ایران نیز هویتی ایرانی بخشیده است. هر جریانی که بخواهد این هویت را مورد تردید قرار دهد یک جریان تجزیه‌طلب به حساب می‌آید. تجزیه‌طلبی همان طوری که گفته شد صرفاً مفهوم سرزمینی ندارد آنهایی که می‌خواهند بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی در این کشور گسستگی ایجاد کنند و یکی را به نفع دیگری تعدیل یا تعطیل نمایند خواسته یا ناخواسته در جرگه یک جریان تجزیه‌طلب قرار می‌گیرند و آب به آسیاب دشمنان ایران، اسلام و انقلاب اسلامی می‌ریزند.

## چرا باید دست ناپاک صهیونیست‌ها را در جریان همه‌پرسی کردستان عراق مشاهده کرد؟

دلیل اول آنکه حضور فعال صهیونیست‌ها در کردستان عراق یا حاشیه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران چندان شگفت‌آور نیست؛ اما ساده‌لوحانه خواهد بود اگر تناوب و گستره آن را به صورت عمیق و دقیق دیده‌بانی نکنیم. تجزیه و تحلیل کارکردهای این حضور هم از جنبه تاریخی، هم از جنبه اعتقادی و هم از جنبه امنیتی و سیاسی به مراتب از آنچه بدو تصور می‌شود، دشوارتر است. کارکنان مؤسسات، بنیادها و شرکت‌های صهیونیستی در منطقه کردنشین عراق، لزوماً نه سلاح به دست در توسعه‌طلبی صهیونیسم قدم به میدان کارزار می‌نهند و نه فعالانه از دوره‌های آموزش تروریستی سازمان سیا، موساد و اینتلجنت سرویس برای ترور مخالفان خود بهره می‌گیرند. این شرکت‌ها و مؤسسات در حمایت از اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی به عنوان



ستون عقیدتی نظام جعلی اسراییل در جهان عمل می‌کنند.<sup>۱</sup>

این ستون عقیدتی تا هر جایی در کره زمین که بوی نفت، ثروت، سرمایه و قدرت از آن به مشام می‌رسد سیطره نفوذ خود را گسترش می‌دهد و آن مکان را یکی از مکان‌های مهاجرت آن ده قبیله گمشده بنی‌اسراییل معرفی کرده و بساط خیمه عقاید جعلی خود را علم می‌کند تا گستره «ارض موهوم»! که صهیونیسم آن را «ارض موعود» می‌نامد، تمام پهنه زمین باشد و لاجرم امنیت بنی‌اسراییل به امنیت تمام جهان پیوند خورده و کسی جرئت نکند مقبولیت این امنیت را مورد تردید قرار دهد. تمام قاره‌های زمین به نوعی اثرات شرارت‌های این ستون عقیدتی را در طول تاریخ تجربه کرده است.

یهودیان از جنبه تاریخی هیچ نسبتی با فلسطین ندارند؛ بلکه به طریق اولی با کردستان عراق نسبت قومی دارند. زادگاه اصلی حضرت ابراهیم سرزمین «اورا» در کلدان در موصل امروزی است. حضرت ابراهیم در دوران کهنسالی به امر خدا از سرزمین عراق به کنعان مهاجرت کرد و این مهاجرت از جنبه تمایلات و تعلقات ارضی برای یهودیان هیچ حقی را اثبات نمی‌کند.

آنهایی که تلاش می‌کنند رد پای صهیونیست‌ها را در وقایع عراق و کردستان عراق محو کنند اگر کمی تاریخ بلد بودند می‌دانستند که سال‌هاست بزرگ‌ترین پایگاه‌های تحقیقاتی و اقتصادی عراق در منطقه کردستان در دست صهیونیست‌هاست. گزارش‌های منابع خارجی نشان می‌دهد که اسراییل از یکی از پایگاه‌های دائمی خود در کردستان عراق برای اقدامات اطلاعاتی فرامرزی در درون ایران استفاده می‌کند. رژیم صهیونیستی از بدو اشغال فلسطین و نفوذ در دربار پهلوی با کمک رژیم شاه و کارگزاران بهایی - صهیونیست این رژیم، نفوذ عمیقی را در کردستان عراق برای خود ترتیب داده است و در قالب فعالیت‌های تجاری، اقتصادی و حمایتی نه تنها به جمع‌آوری اطلاعات در مورد ایران می‌پردازد بلکه به اقتضای تغییرات منطقه گاهی با ارسال اسلحه به کردستان عراق از طریق رژیم شاه در گذشته و زمانی با ارسال تجهیزات نظامی از طریق کردستان عراق به گروه‌های تجزیه‌طلب در ایران تلاش کرده است امنیت ملی و تمامیت ارضی دو کشور را مخدوش سازد.

مستندات بی‌شماری در این رابطه در تاریخ روابط ایران و عراق وجود دارد که تنها به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: مئیر عزری فرستاده ویژه رژیم اشغالگر قدس به ایران در

۱. نگارنده قبلاً بخشی از این مطالب را در مقدمه‌ای بر اثر زیر آورده است؛ رک: علیرضا خسروی، نفوذ/اسراییل در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

دوران پهلوی در خاطرات خود فصل مشخصی را به تلاش برای جاسوسی در کردستان ایران و عراق اختصاص می‌دهد. او می‌نویسد:

در دیداری که میان مئیر عمیت سرپرست موساد با سرلشکر حسین پاکروان همتای ایرانی‌اش انجام یافت (۲۹ ژوئیه ۱۹۶۳ در پاریس) بخشی از گفت‌وگوها در زمینه یاری اسراییل به کردها دور می‌زد... نه تنها سرلشکر پاکروان از شنیدن پیشنهاد یاری اسراییل به کردها خرسند بود بلکه جانشین وی ارتشبد نصیری نیز با این داستان سازگار بود و انجام آن را برای ایران سودمند می‌دانست...<sup>۱</sup>

عزری می‌نویسد:

در دیدارهای عمیت بانصیری که بیشتر پیرامون کردها دور می‌زد کار ترجمه گفت‌وگوها را داشتیم... با پایان خوش این گفت‌وگوها همکاری میان دستگاه‌های امنیتی ایران و اسراییل در اروپا آغازید که چگونه جنگ‌افزارهای اسراییل به کردستان به دست جنگجویان آزادی‌خواه کرد برسد.

نخستین بسته‌های بازو کا، گلوله‌های توپ و جنگ‌افزارهای سبک اسراییلی روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۲ در کردستان به دست ابراهیم احمد دستیار بارزانی رسید که از آن با نام «عملیات اسپار تاکوس» یاد می‌کنیم.<sup>۲</sup>

با این توصیف نباید به آنهایی که ابلهانه ردپای صهیونیست‌ها را در عراق محو می‌کنند و اقدام اخیر بارزانی را تمایلات حقوق‌شهروندی و یک امر تاریخی ملت کرد می‌دانند تردید کرد؟

عزری در ادامه فعالیت‌های صهیونیست‌ها در کردستان می‌نویسد:

گروه‌هایی از اسراییلی‌ها که پیرو پیمان‌های چندسویه باید به جنگجویان ارتش چریکی بارزانی جنگ‌افزار و یاری‌های گوناگون می‌رساندند از برخی راه‌ها و بیراهه‌های کردستان ایران می‌گذشتند. اریه لوبا‌الیاب یکی از فرستادگان جوان اسراییلی بود که این گروه‌ها را سرپرستی می‌کرد. آنها در تابستان ۱۹۶۶ یک بیمارستان صحرائی از سوی مردم اسراییل به رزمندگان آزادی‌بخش کرد پیشکش کردند...<sup>۳</sup>

۱. مئیر عزری، کیست/ از شما تمامی قوم ما، یادنامه، ترجمه ابراهام حاخامی، بی‌نا، ۲۰۰۰م، دفتر اول، ص ۳۱۸.

۲. همان، ص ۳۱۸.

۳. همان، ص ۳۲۱.

عزری ابایی ندارد از این که بنویسد:

بر خورد کردهای بومی و واکنش آنان در برابر دولت‌های چهارگانه ایران، عراق، سوریه و ترکیه برای اسراییل از اهمیتی ویژه برخوردار است از این رو دولتمردان اسراییل همواره کوشیده‌اند با کردها دوستی نزدیکی داشته باشند...<sup>۱</sup>

در چنین حالتی کدام ابلهی می تواند ادعا کند که صهیونیست‌ها با اعلام حمایت از نمایش همه‌پرسی کردستان عراق فقط به دنبال کسب پرستیژ بودند؛ یا حق تعیین سرنوشت و حقوق شهروندی حق کردهاست. همان طوری که در دوران رژیم وابسته شاه همکاری با اسراییل در کردستان و حمایت از بارزانی‌ها محملی برای به زانو در آوردن رژیم ستیزه‌جوی عراق بود و عزری بارها در خاطرات خود به این مسئله تأکید داشته است، امروز نیز مشارکت در نمایش همه‌پرسی در کردستان عراق و فعالیت صهیونیست‌ها رانمی توان جز با انگیزه به زانو در آوردن دولت مردمی عراق، کمک به تروریست‌های داعش و از همه مهم‌تر درگیر کردن ایران با مسئله قومیت‌ها دانست. در کنار این اسناد که دلیل روشنی بر تاریخی بودن فعالیت صهیونیست‌ها در کردستان عراق است می توان به شواهد دیگری از نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم اشغالگر قدس در این منطقه اشاره کرد:

## الف. فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اسراییل در شمال عراق

### ۱. اسامی شرکت‌ها و سازمان‌های خدماتی

- سازمان امور خیریه - اربیل
- شرکت تجاری مریوان - دهوک
- شرکت توسعه کردستان عراق (تحت عنوان kodo سلیمانیه)
- شرکت ترک (بازسازی مراقد پیامبران) استان کرکوک
- شرکت خدمات امنیتی (بیروت) کرکوک
- سازمان امور خیریه - دهوک - زاخو
- شرکت لوازم پزشکی: این شرکت فعالیت خود را در سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک انجام می‌دهد و تقریباً تمام خدمات بیمارستانی این سه استان تحت پوشش این شرکت قرار دارد.

۱. همان، ص ۳۱۶.



- شرکت علاج و دواء: فعالیت این شرکت در استان‌های اربیل و سلیمانیه است و امور مربوط به اعزام بیماران را به خارج از کردستان عراق بر عهده دارد.
- شرکت کودو: فعالیت این شرکت در زمینه‌های فنی و الکترونیک است و در شهرهای اربیل و سلیمانیه فعالیت دارد. رئیس این شرکت فردی به نام آنتون لیبکیس شاحاک اهل تلاویو است.
- کمپانی introp: عمده فعالیت این شرکت در زمینه سلاح و مهمات است و بیشترین قراردادهای نظامی و تسلیحاتی را با اقلیم کردستان منعقد کرده است. رئیس این شرکت فردی به نام دنی یاتوم است که قبلاً رئیس بخش اطلاعات خارجی اسرائیل بوده است.
- شرکت باواچی: فعالیت این شرکت در زمینه اکتشاف و استخراج نفت در شهر بیجی از حوالی کرکوک است.
- شرکت سنگ‌های تزئینی: فعالیت این شرکت پیرامون واردات و صادرات سنگ‌های تزئینی می‌باشد و تحت حمایت منصور بارزانی فرزند مسعود بارزانی و دفتر اصلی این شرکت در شهر اربیل می‌باشد.
- شرکت ۷۷: فعالیت این شرکت در زمینه سنگ‌های بتنی به ارتفاع حداکثر چهار متر است که در حصارکشی اماکن و مقررات مورد استفاده قرار می‌گیرد و دفاتر اصلی آن در شهرهای اربیل و سلیمانیه است.
- شرکت عنسولین یونیه: فعالیت این شرکت در امور راه و ساختمان و شعبه اصلی آن در شهر اربیل است.
- شرکت دان: فعالیت این شرکت در زمینه‌های اتوبوس‌های مستعمل و اسقاطی است و دفاتر اصلی این شرکت در شهر اربیل قرار دارد.
- شرکت سونول: فعالیت این شرکت در زمینه‌های سوخت و فرآورده‌های نفتی است و دفاتر و شعب اصلی آن در شهرهای اربیل سلیمانیه قرار دارد.
- شرکت دلتا: فعالیت این شرکت در زمینه صادرات و واردات انواع پارچه می‌باشد و دفتر اصلی این شرکت در اربیل است.

## ۲. اسامی بانک‌ها

- بانک الثقه (بانک قرض): فعالیت این بانک در زمینه پرداخت وام به یهودیان اکراد برای خرید زمین است. رئیس این بانک فردی است به نام احمد و این بانک دارای ۱۳ کارمند است که ۹ نفر آن مرد و ۴ نفر آن زن هستند. محل بانک مذکور سلیمانیه است.
- بانک آینده روشن سلیمانیه

- بانک ریلیس سلیمانیه
- بانک آشتی

## ب. فعالیت‌های نظامی - امنیتی

به طور کلی می‌توان اهداف و فعالیت‌های اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی را در کردستان عراق به شرح زیر برشمرد:

- برگزاری دوره‌های آموزش اطلاعاتی - امنیتی
- افزایش توان نظامی پیش‌مرگه‌های کرد
- اقدامات اطلاعاتی - امنیتی
- برگزاری دوره‌های آموزش نظامی
- اعزام تیم‌های مستشاری در امور امنیتی - نظامی

### ۱. مقرها و پایگاه‌های نیروی اسرائیلی در کردستان عراق:

- اربیل - هتل خانزاد
- اربیل - هتل شرایتون - اقامتگاه عناصر اسرائیلی
- موصل - انتهای پل قدیم
- خانه امن سلیمانیه - سلیمانیه - محله ابراهیم پاشا
- مقر صالحی - اربیل - مصیف دارالضیافه پارتی

### ۲. پایگاه‌های نظامی و فرودگاه‌ها:

- پایگاه هوایی الحریره - کرکوک - برخی از تردهای یهودیان اسرائیلی از طریق این پایگاه انجام می‌گیرد.
- فرودگاه اربیل: بیشتر تردد عناصر رژیم صهیونیستی از طریق فرودگاه اربیل انجام می‌گیرد.
- احداث پایگاهی در چمچمال سلیمانیه - بین روستای حمزه کانی و کانی کوچک قابل توجه اینکه مقر مذکور یک قلعه قدیمی و باستانی بوده و قرار است به زودی تبدیل به زندان شود.

## ج. فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

اسرائیل به صورت مشترک با آمریکا به منظور جذب مردم به مسیحیت از طریق فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی تلاش می‌کنند و در همین راستا خبری مبنی بر اینکه ۸۰۰ نفر مبلغ مسیحی وارد شمال عراق شده و کلیسای شهر حلب در سوریه مرکز مهم برای



انتقال مبلغان مسیحی به شمال عراق است، منتشر شده است. همچنین در خبری نیروهای امنیتی ترکیه در منطقه مرزی این کشور با کردستان عراق نیز بالغ بر ۱۰۹۸۶ نسخه کتاب زبور را که جهت ارسال به شمال عراق در نظر گرفته شده بود، توقیف کرده‌اند. اماکن فرهنگی تبلیغی:

۱. جمعیت کتاب مقدس - اربیل
۲. چاپخانه ثقافه - اربیل
۳. سازمان الحیاط - اربیل
۴. سازمان تبلیغی و تبشیری - دفاتر این سازمان در مرکز استان دهوک، اربیل و سلیمانیه به تازگی تأسیس شد.

#### د. فعالیت سیاسی

مهم‌ترین اقدامات و فعالیت سیاسی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق، به برقراری ارتباط با رهبران و عناصر بانفوذ اکراد عراقی و برقراری روابط دیپلماتیک با این اقلیم و در نهایت جذب و بکارگیری افراد هم‌سو با اهداف صهیونیستی در بدنه سیاسی عراق خلاصه می‌شود. صهیونیست علاوه بر حضور فعال در کردستان عراق در سایر مناطق نیز فعالیت‌های گسترده فرهنگی، اقتصادی، تجاری و اجتماعی دارند.<sup>۱</sup>

#### هه فعالیت‌های اسرائیل در عراق (غیر از اقلیم کردستان)

##### ۱. فعالیت‌های تجاری و اقتصادی

- شرکت‌های تجاری اسرائیلی به دو شکل اساسی در عراق مشغول فعالیت هستند:
- شرکت‌هایی که تولیدات و محصولات خود را در اسرائیل تولید می‌کنند و با حذف کلیه نشان‌ها و علائم و با مارک‌های جعلی به عراق صادر می‌کنند.
  - شرکت‌هایی که تولیدات و محصولات سایر کشورها را به عراق صادر می‌کنند.
- الف. مهم‌ترین شرکت‌های اسرائیلی که در عراق فعال هستند عبارت‌اند از:
- شرکت ترانسکال: این شرکت در زمینه کالاهای الکترونیکی فعالیت دارد و دفتر مرکزی آن در کراده بغداد می‌باشد.
  - شرکت اعینش: این شرکت در زمینه حمل و نقل اجناس و کالا از حیفا به اردن و

۱. رک: علیرضا خسروی، همان.



سپس به عراق فعالیت دارد.

- شرکت تنور غاز: فعالیت این شرکت در زمینه واردات و صادرات کلیه کالاها و اجناس مصرفی است و تاکنون ۸ جلسه بین مدیران شرکت با تجار عراقی برگزار شده است.
- شرکت ربینتکس: این شرکت در زمینه ساخت و تهیه جلیقه‌های ضد گلوله نیروهای ائتلاف فعالیت دارد که کالاهای مورد معامله را از طریق اردن وارد عراق می‌کند.
- شرکت عتیس میئیل: این شرکت متخصص در زمینه تولید وسایل حفاظت فیزیکی ساختمان‌ها و اماکن (نرده، حفاظ درب و...) است.
- شرکت طمبور: این شرکت در زمینه‌های تولید روغن خوراکی و گیاهی فعالیت دارد.
- شرکت بزان: این شرکت در زمینه‌های تعمیر خودروهای زرهی نیروهای ائتلاف و ارتش امریکا فعالیت دارد و از حمایت وزارت دفاع اسرائیل برخوردار است.
- شرکت غایه: این شرکت در زمینه‌های صنایع الکترونیک فعالیت دارد.
- شرکت تایمی ۴: فعالیت این شرکت در زمینه حفاری چاه‌های آب است.
- شرکت لاغروب: فعالیت این شرکت در زمینه تهیه و توزیع مواد دارویی در عراق است.
- شرکت رافنیت: این شرکت در زمینه‌های صنایع ضد زره فعالیت دارد.
- شرکت نختال: این شرکت متخصص در زمینه زیرساخت‌ها و بازسازی عراق فعالیت دارد.
- شرکت ترولیدور: فعالیت این شرکت در زمینه تولید پنجره‌های امنیتی و سیم‌های خاردار نظامی و امنیتی است.
- شرکت لیتمون: فعالیت این شرکت در زمینه تولیدات مشروبات الکلی و نوشیدنی‌هاست.
- شرکت امنیتی ISI: این شرکت از شاخص‌ترین شرکت‌های امنیتی است که برای ارتش امریکا کار می‌کند و افراد آن از نخبگان مؤسسات اسرائیلی هستند؛ مانند یگان مبارزه با تروریست و دستگاه امنیتی شین‌بت.
- شرکت الفرید: فعالیت این شرکت حفاظت از هواپیماهای نظامی و غیر نظامی در فرودگاه بین‌المللی بغداد است.
- شرکت للاعمار (امریکایی-عراقی): فعالیت این شرکت در زمینه واردات کالاها و اسرایلی به عراق تحت عنوان کالاهای قبرسی، ترکی و اردنی است و نمایندگی آن در الکراده بغداد است.
- شرکت المدار: فعالیت این شرکت در زمینه حمل و نقل دریایی کالاها و اجناس است و نمایندگی آن در الکراده و الوحده بغداد و بصره است.





- شرکت نورتن لیلی: فعالیت این شرکت در زمینه حمل و نقل تجهیزات و ادوات نظامی از طریق دریایی است و نمایندگی آن در الخضرا بغداد است.
- مجموعه شرکت‌های العرس: فعالیت این شرکت‌ها در زمینه حمل و نقل دریایی، زمینی و هوایی کالاها و اجناس است و نمایندگی آن در الکراده بغداد است.
- شرکت اردن: فعالیت این شرکت در زمینه واردات هر گونه کالاهای اسرائیلی و دفتر نمایندگی آن در اربیل است.
- شرکت الهکاک: فعالیت این شرکت در زمینه واردات کالاهای اسرائیلی از طریق کشورهای مختلف بوده و نمایندگی آن در الکراده بغداد است.
- شرکت سلمان: این شرکت در زمینه طلا و جواهرات فعالیت داشته و دفتر نمایندگی آن در المنصور بغداد است.
- شرکت الازل: فعالیت این شرکت در زمینه واردات ذرت و علوفه برای وزارت کشاورزی عراق بوده و دفتر نمایندگی آن در السعدون بغداد است.
- ب. اسامی شرکت‌هایی که به عنوان پیمانکار ثانوی در الخضراء فعال هستند عبارت‌اند از:
  - دفتر گسترش و بهره‌برداری عراق - الکراده
  - مجموعه الغدوه - المنصور
  - شرکت ساخت معاصر - المنصور
  - المدامغه - خیابان الرشید
  - خدمات مهندسی - المنصور
  - مجموعه الاعمار - الکراده
  - مجموعه القدوه - خیابان السعدون
  - شرکت قراردادهای عمومی عراق - المنصور
  - الفاج - الکراده
  - خانه مهندسی - الجادریه
  - مجموعه القریه - المنصور
  - شرکت ارض الخزف - المنصور خیابان ۱۴ رمضان
  - مجموعه الفنار العربی - الوزیریه
  - مجموعه البرهان - خیابان الکندی
  - مجموعه شرکت‌های عراقی - امریکایی - الحارثیه
  - شرکت رواد بغداد - حی بابل

- الدانوب-الکراده
- فریق التصمیم- عرصات هندی
- اصلان-المنصور
- وادی جنوبی- جاده پادگان الرشید
- شرکاء الاوسی- ساختمان حسیب صالح
- مجموعه روعه الغانم
- شرکت الرتبا-المنصور
- خدمات معماری- اربیل
- سما الفجر- السیدیة
- کوبک الدر- جاده پادگان الرشید
- الدجیل- زیونه
- نیه جنرال المحدوده-الکراده
- دانه- خیابان فلسطین
- سویرکو-المنصور

## ۲. فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی

به طور کلی می‌توان اهداف و فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی را در عراق به شرح ذیل بر شمرد:

- الف. تشکیل تیم‌های عملیات ویژه شامل: ترور، ربایش، خرابکاری و...
  - ب. نفوذ در تشکیلات دولتی به ویژه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
  - ج. شناسایی، جذب، بکارگیری و آموزش نیروهای عراقی، افراد و یهودیان مقیم عراق به منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران
  - د. انجام فعالیت‌های جاسوسی تحت پوشش سازمان‌های بین‌المللی، خیریه و شرکت‌های تجاری
- هد پیگیری مواضع گروه‌ها و جریان‌ات اسلامی سنی و شیعه

## فعالیت‌های عناصر اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در مناطق بغداد

۱. منطقه الخضراء
۲. هتل السدیر در میدان الآندلس
۳. قصر دجله (مجمع الوزراء سابق)



۴. باشگاه قایقرانی بغداد (مقر سابق عدی)

۵. منطقه المنصور

۶. منطقه المرصات در امتداد دجله

۷. قصر العینی در حارثیه

۸. هتل الحممران در الجادریه

## فعالیت‌های اسرائیلی‌ها در حله

نیروهای اسرائیلی ۱۷ باب ساختمان را در حی البابل حله جهت فعالیت‌های اطلاعاتی خود اجاره کرده‌اند که افسران اطلاعاتی در آنجا مستقر هستند. این ساختمان‌ها مجهز به دستگاه‌های ارتباطی بسیار پیشرفته می‌باشند و با دستگاه‌های اطلاعاتی آنان در استان‌های سلیمانیه، اربیل، بصره و نیز با سفارت امریکا در بغداد ارتباط مستقیم دارند. رفت و آمد عناصر اطلاعاتی در این اماکن در هنگام شب یا صبح زود می‌باشد.

## ملاحظات

۱. همه تجار و واسطه‌های اسرائیلی که در خصوص تجارت و بازرگانی فعال هستند دارای اصلیت اروپایی و امریکایی بوده و با پاسپورت‌های غیر اسرائیلی به عراق تردد دارند.

۲. واسطه‌های عراقی که بیشتر آنان کرد هستند در لندن و اردن ملاقات‌های خود را با اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند.

۳. یهودی‌های عراقی الاصل بیشتر به عنوان مشاور و راهنمای اسرائیلی‌ها عمل می‌کنند و مانع افشا شدن هویت اصلی تجار و بازرگانان اسرائیلی می‌شوند.

۴. تجار و سرمایه‌داران عراقی توجه و حساسیت چندانی نسبت به ماهیت تجار اسرائیلی ندارند اما در سطح عمومی (به ویژه شیعیان) هنوز حساسیت و برخورد منفی با اسرائیلی‌ها وجود دارد.

۵. امریکایی‌ها هنوز با حضور رسمی اسرائیلی‌ها موافقت نکرده‌اند اما با حضور غیرمستقیم و در پوشش شرکت‌های تجاری ثانویه کاملاً موافق هستند.

۶. در حال حاضر اردن (منطقه صنعتی زرقا در شمال اردن و منطقه آزاد تجاری در عقبه) به عنوان سرزمین واسطه و تسهیل‌کننده فعالیت شرکت‌های اسرائیلی برای فعالیت در عراق عمل می‌کنند.

۷. بیشتر شرکت‌های اسرائیلی در عراق پوشش‌های عربی-اروپایی-اسرائیلی، عربی-اسرائیلی-امریکایی و عربی-ترکی-اسرائیلی را دارا هستند.

صهیونیست‌ها حضور قابل توجهی از سال ۲۰۰۵ در این منطقه به همین منظور پیدا کرده‌اند. مهم‌ترین این پایگاه‌ها هم اکنون در ساختمان‌های مجللی که گفته می‌شود متعلق به دولت خودمختار کردستان است، در شهر «عقره» واقع است؛ همچنین استراحتگاه «چمچمال» نیز میزبان یک پایگاه دیگر صهیونیست‌ها بوده و استراحتگاه «سره رش» که مقر مسعود بارزانی رئیس این اقلیم است نیز دیگر پایگاه اصلی صهیونیست‌ها را در خود جای داده است.

سیمور هرش در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴ خبر داد که صهیونیست‌ها قصد ایجاد پایگاه جاسوسی از مراکز هسته‌ای ایران را در شمال عراق دارند. تشکیل تیم ۶۰ نفره‌ای از کماندوهای کرد که توسط موساد برای انجام عملیات تروریستی در داخل و خارج عراق آموزش‌های ویژه‌ای دیده بودند راز جدیدی نیست که به تازگی فاش شده باشد.

بی‌بی‌سی ۲ هم فیلم مستندی را از آموزش نیروهای کرد توسط افسران صهیونیستی منتشر کرد. این در حالی است که رسانه‌های اروپایی و خبرگزاری‌های جهانی ۳ اکتبر ۲۰۰۷ خبر از حضور بیش از ۱۲۰۰ افسر موساد و سازمان‌های اطلاعاتی صهیونیستی در شمال عراق با هدف آموزش عناصر کرد داده بودند. افسرانی که به طور حتم صرفاً برای کمک به یک گروه اقلیت در عراق برای احقاق حقوق خود به این منطقه نیامدند و اهدافی فراتر از مسائل کمک به یک هم‌پیمان قدیمی در دستور کار دارند. این اطلاعات که گفته شد منبع اصلی آن سازمان اطلاعات فرانسه است محل استقرار این افسران را شهرهای اربیل و سلیمانیه اعلام کرد.

به اعتقاد تهیه‌کنندگان فیلم مستند بی‌بی‌سی، یکی از خطرناک‌ترین ابعاد این فعالیت دست‌چین کردن تعدادی از این عناصر تحت آموزش برای انتقال آنها به ساختار سازمان‌های فعال در منطقه است؛ سازمان‌هایی که علاوه بر فعالیت‌های تروریستی دست به اقدامات جاسوسی در کشورهای منطقه و کشورهای واقع در محیط عراق هم می‌زنند. علاوه بر آن، سیمور هرش هم در گزارشی که در ژوئن ۲۰۰۴ در نیویورک منتشر شد، فاش کرد: صهیونیست‌ها واحدهای کماندوی کرد را برای انجام عملیات محرمانه در مناطق کردنشین سوریه و ایران آموزش می‌دهند. اما شاید فراگیرترین و مهم‌ترین گزارش در رابطه با فعالیت‌های جدید رژیم صهیونیستی در عراق و منطقه، اطلاعاتی باشند که در روزهای اول و دوم دسامبر ۲۰۰۵ توسط روزنامه *یدیعوت/حارنوت* منتشر شد.





این روزنامه عبری زبان در این رابطه نوشت: شرکت‌های اسرائیلی در منطقه دورافتاده در شمال عراق مرکزی را که تحت نام موقعیت Z شهرت یافته، ایجاد کرده‌اند و این مرکز هم اکنون کاربردی آموزشی دارد. به نوشته/حارنوت، واحدهایی از نیروهای نخبه صهیونیستی عملاً از سال ۲۰۰۴ از طریق مرز ترکیه وارد شمال عراق شده‌اند. این افراد معمولاً تحت عنوان مهندس راه‌سازی یا کارشناس کشاورزی وارد کردستان عراق می‌شدند و به کار آموزش کردها در این منطقه می‌پرداختند تا اینکه کردها دریافتند که نیروهای اطلاعاتی ایران از حضور و فعالیت صهیونیست‌ها در موقعیت Z مطلع شده‌اند. از این رواز بیم‌دستگیری یا ربوده شدن صهیونیست‌ها این مرکز را تعطیل یا به منطقه دیگری منتقل کردند.

روزنامه فلسطینی دنیا/الوطن هم در گزارشی در این رابطه تأکید کرد در این پایگاه کماندوهای اسرائیل اقدام به آموزش تک‌تیرانداز و انجام عملیات ترور می‌کردند. بر اساس اطلاعات این روزنامه، موساد در چهارچوب فعالیت یک شرکت تجاری به نام «انتاروپ» و دو شرکت به ثبت رسیده در سوئیس به نام‌های «کیودو» و «کلوزیوم» که زیرمجموعه این شرکت هستند، برخی از فعالیت‌های خود را در داخل کردستان و به تبع آن بقیه خاک عراق انجام می‌دهد.

به نوشته این روزنامه، موساد با استفاده از موقعیت سوق الجیشی کردستان عراق و قرار گرفتن این منطقه در همسایگی سه کشور ایران، ترکیه و سوریه تلاش دارد با استفاده از نیروهای جدایی طلب کرد از اهالی این کشورها از آنها برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام عملیات در عمق کشورهای مذکور استفاده کند.

از سوی دیگر امنیتی که در منطقه شمال عراق مقرر اصلی موساد از آن بهره‌مند است و نیز آزادی عمل بسیار زیاد عوامل رژیم صهیونیستی در داخل عراق، برخی از رسانه‌های عراقی و عربی را بر آن داشته تا اقدامات تروریستی در عراق و به خصوص عملیات القاعده را حاصل فرآیند همکاری موساد با گروهی بدانند که تا چند سال پیش علناً در افغانستان زمان اشغال روس‌ها با سازمان‌های جاسوسی غربی و صهیونیستی در ارتباط تنگاتنگ قرار داشت.

به نوشته این مطبوعات وقتی معاون وزیر کشور عراق رسماً در گفت‌وگو با یک روزنامه اردنی، شبکه‌های اسرائیل را عامل اقدامات جنایتکارانه بزرگی همچون قاچاق مواد مخدر، جعل اسکناس و انتشار مجله و سی‌دی‌های غیر اخلاقی و فساد و فحشا در میان جوانان عراقی اعلام می‌کند، چه دلیلی وجود دارد همراه با این اقدامات مواد منفجره

و بمب‌های به کار رفته در عملیات تروریستی در عراق هم از طریق این شبکه‌ها به تروریست‌ها نرسیده باشد؟<sup>۱</sup>

اینها همه دلایل آشکاری است که ما را نسبت به اتفاقات عراق حساس نماید تا اسیر پاره‌ای از تحلیل‌های انحرافی و گمراه‌کننده داخلی و خارجی که وظیفه‌ای جز پنهان کردن اهداف دشمنان ملت ایران و عراق ندارند، نسازد. این نگرانی وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم متأسفانه در دولت دوازدهم بعضی از افراد «جمعیت توحید و تعاون» که بیشترین نقش تخریبی را در فتنه ۸۸ در کشور داشته‌اند و در مبادی تئوریک، وابسته به استراتژی تقویت اسلام و مسلمانان میانه (لیبرال‌ها و سکولارها) توسط امریکایی‌ها هستند و همچنین بعضی از مهره‌های معلوم‌الحال رسانه‌ای حزب انحرافی و اشرافی کارگزاران سازندگی که اتفاقاً نقش آنها را در فتنه ۸۸ نمی‌توان فراموش کرد، در ارکان تصمیم‌گیری دولت و حاشیه‌های آن حضور دارند و پشت سر هم ممکن است تحلیل‌های انحرافی خود را بر تصمیم‌گیری‌های اساسی تحمیل نمایند.



۱. رک: علیرضا خسروی، همان.